

و قوانینی را که در نتیجه سنجشها بدست می‌آید و هم تاجر و منعکس ساختن نتیجه جریان واقعی را در پدیده‌های زندگی که پیش می‌آید. منعکس ساختن اثری در وجدان از امتیازات خارجی یا درونی یک مسئله کاملاً روشن است یعنی چنانکه شکنجه یا آرامش را در درون خود احساس می‌کنیم همچنان وجدانی را که مانند میزان الحرارة استی که وسیله سنجش نیکی‌ها و بدی‌هایی را که انجام داده‌ایم بوسیله آن دریافت می‌کنیم.

عوامل تئوریک و روانی عدم وجدان کار در میان مسلمین:

آدمی تا زمانی که مسأله‌ای از نظر تئوریک حل نکند در مقام عمل یقیناً با موانعی مواجه خواهد شد. بالاخره یا باید عمل را عوض کرد و یا اندیشه را. و از آنجایی که پیشه‌ها تابع اندیشه‌هایست لذا رفتار و اعمال انسانها منبعث از نوع اندیشه‌ای است که به آن اعتقاد دارند. پذیرفتنی نیست که بگوئیم پیشه ما یک چیز جداگانه‌ای است و اندیشه یک امر جدا. بلکه باید بگوئیم آدمی وقتی در مقام عمل نمی‌تواند مطابق اندیشه‌اش رفتار کند آهسته آهسته نسبت به اندیشه پیشین خود با تسامح برخورد می‌کند و درصدد توجیه و تعدیل آن برمی‌آید.

الف) توجیه غلط توکل و تاثیر آن در عمل: در قرآن و احادیث مسلمانان به زندگی متوکالانه دعوت شده‌اند و بر آنها فرض شده که در زندگی خود به خداوند توکل کنند. اما اثر توجیهات و تفسیرات غلط و نابخجای صوفیه توکل آنچنان که باید جایگاه خود را پیدا نکرده است. تلقی آدمیان از توکل این است که کارها را باید طوری انجام داد که جای پای و جای دستی برای توکل به خداوند باقی ماند لذا راه صحیح آن است که آدمی در انجام امور خود دقت و کارایی لازم را بکار نبرد تا بخشی از کار بلنگد و در آن بخش بتوان به خدا توکل کرد.

معنای توکل که ترک تدبیر است درست درآید؟ اما واقعیت توکل چیزی غیر از این است چه توکل در اموری صادق است که خداوند دست آدمی را از انجام آنها و از نشان دادن عکس‌العمل منع کرده است. بعنوان مثال وقتی ما نهایت احتیاط را درباره زلزله بعمل آوردیم از آن پس باید متوکالانه منتظر اومار دیگر الهی باشیم. پس آن بخش از کاری که به ما انسانها واگذار شده قطعاً باید با آخرین و تا آخرین مرحله کار انجام دهیم و هیچ جای توجیه برای کم کاری و عدم دقت نمی‌ماند، لذا اینگونه تعبیر از توکل برای برخی از آدمیان توجیه گر عدم وجدان کاری شده است.

ب) جدی نگرفتن امر دنیا: درست است که هم قرآن و هم احادیث و هم زندگی معصومین همه و همه مبین نوع نگرش آنها به دنیا و عدم میل و رغبت آنها به دنیا است اما بعضاً این نگرش آنچنان که باید فهم نمی‌شود و چنین تلقی می‌شود که چون دنیا ناپایدار است لذا در انجام امور نیز اهتمام لازم را نباید بکار ببریم.

وقتی از یک صوفی پرسیدند چرا برای خود خانه مهیا نمی‌کنی؟ در جواب گفت: «الامر السهل من ذلك، کار دنیا از این آسانتر است که به فکر تهیه خانه باشیم.» حال اگر کسی در زندگی خود چنین نگرشی نسبت به دنیا داشته باشد قطعاً درصد انجام دقیق امور برنخواهد آمد. وقتی عالم اخلاق جهان اسلام امام محمد غزالی در باب زهد نسبت به دنیا می‌گوید: آخرین مرحله زهد نسبت به دنیا آن است که برای فردای خودت غذا نداشته باشی آنوقت وضع بقیه مشخص است.

بنابراین سهل گرفتن امر دنیا باعث بی‌دقتی و عدم وجدان کار در میان مسلمین شده است. در حالیکه از آموزه‌های معصومین چنین برداشتی نمی‌توان کرد.

ج) عدم توجه به قانون و تسامح نسبت به آن: ایرانیها و مسلمانان با توجه به اینکه هیچ وقت قانون را برای قانون نمی‌خواستند بلکه آن را همیشه توجیه‌گر گریز از خطرات می‌دانستند لذا با کمترین فرصتی از تن دادن بدان طفره می‌رفتند اما اگر کسی قانون را برای قانون و نظم بخواهد و معتقد باشد که قانون برای همیشه و همه جا است و باید رعایت گردد چنین شخصی هرگز در انجام امور کوتاهی نخواهد کرد.

د) خلط بین بی‌عدالتی در قانون و عدم داشتن وجدان کار: غالب کسانی که به نحوی وجدان کاری ندارند یعنی ناعادلانه بودن قانون (به زعم خودشان) و انجام ناتمام کار ملازمه ای می‌بیند و ظالمانه بودن قانون را با ناتمام گذاشتن کار جبران می‌کنند در حالیکه اگر کارمندی، معلمی و ... نسبت به میزان حقوق مضبوط در قوانین اعتراض دارند نباید آن را با کم کاری و عدم وجدان کاری جبران کنند بلکه باید توجه داشته باشند که بین این دو هیچ ملازمه‌ای در کار نیست اگر اشکالی در کار هست باید آن را از مسیر صحیح خود حل و فصل کرد. پس برای اینکه به وجدان کاری عامل باشیم لازم است انجام کار را با چیز دیگری مقایسه نکنیم بلکه وجدان را حاکم بر آن سازیم.

ه) عدم اعتقاد به ارزش ذاتی کار: ما مسلمانان کار را وسیله‌ای برای اهداف دیگر در نظر می‌گیریم لذا در انجام بسیاری از امور خود توفیق چندانی بدست نمی‌آوریم. واقعیت این است که تنها کسانی در زمینه‌های مختلف کاری می‌توانند توفیق حاصل کنند که کار را فقط برای کار انجام می‌دهند و آن را از منظر هدف می‌بینند نه از منظر وسیله. عموم کسانی که به این نگرش قائل نیستند در انجام کارهایشان همیشه با دلسردی و ناکامی مواجه‌اند بر خلاف مسلمانان؛ غریبه‌ها هم در باب علم و هم کار به جایگاه خوبی رسیدند به معنا که در جهان غرب هم علم برای علم آموخته می‌شود و هم کار برای کار انجام می‌شود. یعنی هر دوی اینها ارزش ذاتی دارند نه ارزش تبعی و به نظر نگارنده تا زمانی که چنین نگرشی در میان مسلمین پیدا نشود به وجدان کاری نخواهیم رسید.

در نهج البلاغه علی علیه‌السلام همیشه نسبت به عدم انجام دقیق امور ناراحت می‌شدند و از این که مسلمین آن دوران نسبت به انجام امور خود تساهل می‌کردند معترض بودند. خطبه ۲۷ نهج البلاغه مبین و موید این اعتراض علی علیه‌السلام است و شاید همین عامل باعث عدم توفیق آن حضرت در گستر عدالت بوده باشد.

منابع مورد استفاده:

- قرآن کریم
- نهج البلاغه ترجمه فیض الاسلام
- لغت نامه دهخدا
- فرهنگ معین، دکتر معین
- فرهنگ آفتاب، عبدالمجید معادیخواه
- وهابیت ایده استعمار، سیداحمد علم الهدی
- وجدان، استاد محمد تقی جعفری



جستاری در حدیث امام سجاد علیه السلام

سخنی است که از امام سجاد، امام زین العابدین صلوات الله و سلامه علیه رسیده است؛ گرچه از نظر سند بعضی این روایات ناظر به اسرار حج جای تأمل است، جای تحقیق بیشتر است ولی متنش بسیار قوی است. کسانی که احادیث را با متون می‌شناسند این گونه از روایات را هم معتبر می‌دانند.

از وجود مبارک امام سجاد سلام الله علیه آن طوری که از مستدرک مرحوم حاجی نوری از یکی از نوه‌های بزرگوار مشایخ پیشین نقل شده است که در نسخ خطی دیده‌اند (گرچه مرسل است اما مورد اعتماد این بزرگان است) این است که وجود مبارک امام سجاد سلام الله علیه شبلی را بعد از مسافرت حج دید. به شبلی فرمود: چه کردی! آن قصه‌اش معروف و مفصل است. او عرض کرد: من از حج برمی‌گردم. فرمود: آیا میقات رفتی و لباس مخیط (لباس دوخته) را از تن بیرون کردی و لباس ندوخته را (لباس احرام) دربر کردی و غسل احرام انجام دادی و این کارها را کردی؟

عرض کرد: آری. فرمود: اینکه لباس دوخته را از بر گرفتی آیا هنگام کندن لباس دوخته قصد کردی که از لباس معصیت بیرون آمدی؟ عرض کرد: نه. فرمود: وقتی لباس ندوخته به نام احرام در بر کردی آیا قصد کردی جامه طاعت در بر می‌کنی؟ عرض کرد: نه. فرمود: وقتی غسل احرام انجام دادی آیا قصد کردی که از گناهان داری شستشو می‌کنی؟ عرض کرد: نه. من فقط لباس دوخته را کندم، لباس

اولین سرّ در اسرار حج

آیت الله جوادی آملی

احرام در بر کردم و غسل کردم [و] نیت کردم، همین؛ همین که سایرین انجام می‌دهند.

فرمود: پس تو احرام نیستی؛ احرام یک سرّی دارد؛ یعنی یک دستور ظاهری دارد که آن را همه انجام می‌دهند [و] یک دستور باطنی دارد که اهل سیر و سلوک و کسانی که به اسرار حج آگاهند انجام می‌دهند. این کار یک سرّی دارد. معنای اینکه لباس دوخته را از بدن به درآورید؛ یعنی جامه گناه را از تن بیرون بیاورید. آن لباس گناهی را که تا کنون خودتان تار و پودش را بافتید و بعد دوختید و در بر کردید از جامه عصیان بیرون بیاورید و گرنه روح قضیه این است که فرقی بین لباس دوخته و ندوخته نیست. اینها علامت آن اسرار است. انسان در تمام ایام سال در لباس دوخته عبادت می‌کند به نام نماز. این چنین نیست که عبادت در لباس دوخته قبول نباشد ولی در حج قبول نیست؛ برای اینکه می‌خواهند اسرار حج را به انسان تفهیم کنند که انسان یک روزی هم دارد که با لباس ندوخته وارد آن روز می‌شود و آن روز مرگ است که کفن در بر می‌کند یا قیامت با همان کفن حضور و ظهور پیدا می‌کند. می‌خواهند آن مراسم را در این مناسک اظهار کنند. اسرار قیامت را در مناسک و مراسم حج تجلی بدهند. گفتند لباس ساده در بر کنید که هر گونه فخر بر طرف بشود. لباس ندوخته در بر کنید که سفر مرگ در نظرتان مجسم باشد؛ مسئله مردن و قیامت در حضورتان حاضر باشد.

امام سجاد سلام الله علیه طبق این نقل به شبلی فرمود: معنای کندن لباس خیاطی شده و دوخته شده؛ یعنی خدایا من دیگر لباس گناه در بر نمی‌کنم واز هر گناهی توبه کردم. تنها گناه نکردن مهم نیست اطاعت کردن مهم است لذا انسان لباس احرام بر تن می‌کند؛ یعنی لباس ندوخته، لباس رنگ ننگرفته، لباس حلال و پاک در برمی‌کند؛ یعنی جامه طاعت در تن می‌کند و معنای غسل کردن در حال احرام این است (گرچه این غسل مستحب است واجب نیست) بر خلاف ترک مخیط و ثوب پوشیدن لباس احرام که آنها لازم است،

فرمود: معنای غسل کردن این است که خدایا! من آن گناه‌ها را شستشو کردم.

پس سه کار است: یکی اینکه دیگر گناه نمی‌کنم؛ یکی اینکه تصمیم گرفتم همیشه مطیع باشم؛ یکی اینکه آن گناهان گذشته را الآن دارم جبران می‌کنم، شستشو می‌کنم. یک وقت انسان لباس چرکی را که مدتها در بدن داشت از بدن می‌گیرد و لباس نو می‌پوشد. در اینجا دو تا کار کرد ولی کار سوم مانده است. کندن لباس چرکین یک وظیفه است؛ پوشیدن لباس نو، وظیفه دیگر است اما بعد از کندن لباس چرکین و قبل از پوشیدن لباس تازه و نو شست و شو و تطهیر بدن هم وظیفه دیگر هست. انسان برای عمل ظاهر سه تا کار انجام می‌دهد: یکی اینکه لباس چرکین را از بر بیرون می‌کند؛ یکی اینکه این بدن را شست و شو می‌کند؛ کار سوم آن است که لباس تمیز در بر می‌کند. در حج همین مسئله هست منتها به صورت سرّ. گفتند لباس دوخته را از بر بیرون کنید؛ یعنی لباس معصیت را از تن بکنید، گفتند قبل از اینکه لباس طاعت را در بر بپوشید آن معصیتهای گذشته را با آب توبه و غسل پاک کنید؛ نه یعنی خدایا! من دیگر گناه نمی‌کنم خدایا! آن گناهان کرده را هم می‌خواهم شست و شو کنم. مهم این نیست که انسان از این به بعد گناه نکند، مهم آن است که آن گناه کرده را هم ترمیم بکند. غسل اثرش این است. اینکه می‌گویند حاجی در هنگام احرام در میقات غسل بکند؛ سرّ غسل کردن این است: خدایا! من همه آن معاصی را در پای توبه تو ریختم و این غسل غسل توبه است و در آن پاک می‌شوم. آن گاه با بدن پاک، با قلب پاک جامه طاعت در بر می‌کند. این اولین سرّ در اسرار حج که مربوط به پوشیدن جامه احرام است.

امید اینکه مردم گرانقدر ایران اسلامی و مسلمانان جهان بعد از آشنایی به اسرار حج، مشتاقانه به زیارت بیت حق بروند و مشتاقانه به زیارت حرم رسول خدا و ائمه بقیع و اعقاب مقدسه - انشاء الله - بشتابند و حرکت کنند.

از شمار خرد هزاران بیش



همه آنچه را درباره حیات علامه طباطبایی می‌شود گفت در یک بیت سروده‌اند:
هر آن کوز دانش برد توشه‌ای جهانی است بنشسته در گوشه‌ای

و همه آنچه در باره وفات او می‌توان سرود در یک سطر بیان کرده‌اند:
از شمار دو چشم یک تن کم از شمار خرد هزاران بیش

از این رو بهتر است زبان در کام کشیم و تنها به بیان بخشی از زندگانی او اکتفا کنیم.
روحش شاد

جدّ علامه

جدّ علامه طباطبایی (ره) از شاگردان و معاشران نزدیک شیخ محمد حسن نجفی (صاحب جواهرالکلام) بود و نامه‌ها و نوشته‌های ایشان را می‌نگاشت. مجتهد بود و به علوم غریبه نیز احاطه داشت اما از نعمت داشتن فرزند محروم بود.

روزی هنگام تلاوت قرآن به این آیه رسید «و ایوب إذ نادى ربه انى مسنى الضر و انت ارحم الراحمین». با خواندن این آیه، دلش می‌شکند و از نداشتن فرزند غمگین می‌شود. همان هنگام چنین ادراک می‌کند که اگر حاجت خود را از خداوند بخواهد، روا خواهد شد. دعا می‌کند و خداوند هم - پس از عمری دراز - فرزند صالحی به او عنایت می‌فرماید. آن پسر، پدر مرحوم علامه طباطبایی می‌شود. پدر علامه نیز پس از تولد او، نام پدر خود (یعنی جدّ علامه) را بر وی می‌نهد.

ولادت

علامه طباطبایی در آخرین روز ماه ذیحجه سال ۱۳۲۱ هـ ق در شاد آباد تبریز متولد شد، و ۸۱ سال عمر پربرکت کرد، و در صبح یکشنبه ۱۸ محرم الحرام سال ۱۴۰۲ هـ ق سه ساعت به ظهر مانده رحلت کردند.

اجداد علامه طباطبایی از طرف پدر از اولاد حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام و از اولاد ابراهیم بن اسماعیل دیباج هستند، و از طرف مادر اولاد حضرت امام حسین علیه السلام می‌باشند.

در سن پنج سالگی مادرشان، و در سن نه سالگی پدرشان بدرود حیات می‌گویند و از آنها اولادی جز ایشان و برادر کوچکتر ایشان بنام سید محمد حسن کسی دیگر باقی نمانده بود.

تحصیلات و اساتید

سید محمد حسین به مدت شش سال (۱۲۹۰ تا ۱۲۹۶ هـ ش) پس از آموزش قرآن که در روش درسی آن روزها قبل از هر چیز تدریس می‌شد،

آثاری چون گلستان، بوستان و ... را فراگرفت. علاوه بر آموختن ادبیات، زیر نظر میرزا علیقلی خطاط به یادگیری فنون خوشنویسی پرداخت.

چون تحصیلات ابتدایی نتوانست به ذوق سرشار و علاقه وافر ایشان پاسخ گوید، از این جهت به مدرسه طالبیه تبریز وارد شد و به فراگیری ادبیات عرب و علوم نقلی و فقه و اصول پرداخت و از سال ۱۲۹۷ تا ۱۳۰۴ هـ ش مشغول فراگیری دانشهای مختلف اسلامی گردید.

علامه طباطبایی بعد از تحصیل در مدرسه طالبیه تبریز همراه برادرشان به نجف اشرف مشرف می‌شوند، و ده سال تمام در نجف اشرف به تحصیل علوم دینی و کمالات اخلاقی و معنوی مشغول می‌شوند. علامه طباطبایی علوم ریاضی را در نجف اشرف نزد آقا سید ابوالقاسم خوانساری که از ریاضی دانان مشهور آن زمان بود فراگرفت.

ایشان دروس فقه و اصول را نزد استادان برجسته ای چون مرحوم آیت الله نائینی (ره) و مرحوم آیت الله اصفهانی (ره) خواندند، و مدت درسهای فقه و اصول ایشان مجموعاً ده سال بود.

استاد ایشان در فلسفه، حکیم متأله، مرحوم آقا سید حسین باد کوبه ای بود، که سالیان دراز در نجف اشرف در معیت برادرش مرحوم آیت الله حاج سید محمد حسن طباطبایی الهی نزد او به درس و بحث مشغول بودند.

و اما معارف الهیه و اخلاق و فقه الحدیث را نزد عارف عالیقدر و کم نظیر مرحوم آیت الله سید علی آقا قاضی طباطبایی (ره) آموختند و در سیر و سلوک و مجاهدات نفسانی و ریاضات شرعیه تحت نظر و تعلیم و تربیت آن استاد کامل بودند.

استاد امجد نقل می‌کند که «حال مرحوم علامه، با شنیدن نام آیت الله قاضی دگرگون می‌شد.»

حجت الاسلام سید احمد قاضی از قول علامه نقل می‌کند که: «پس از ورودم به نجف اشرف، به بارگاه امیرالمؤمنین علیه السلام رو

کرده و از ایشان استمداد کردم. در پی آن، آقای قاضی نزد آمد و فرمود: « شما به حضرت علی علیه السلام عرض حال کردید و ایشان مرا فرستاده اند. از این پس، هفته ای دو جلسه با هم خواهیم داشت. » و در همان جلسه فرمود: « اخلاصت را بیشتر کن و برای خدا درس بخوان. زبانت را هم بیشتر مراقبت نما. »

فعالیت و کسب درآمد

مرحوم علامه در مدتی که در نجف مشغول تحصیل بودند بعلت تنگی معیشت و نرسیدن مقرری که از ملک زراعیشان در تبریز بدست می آمد مجبور به مراجعت به ایران می شود و مدت ده سال در قریه شادآباد تبریز به زراعت و کشاورزی مشغول می شوند.

فرزند ایشان مهندس سید عبدالباقی طباطبائی می گوید: « خوب به یاد دارم که، مرحوم پدرم دائماً و در تمام طول سال مشغول فعالیت بود و کار کردن ایشان در فصل سرما در حین ریزش باران و برفهای موسمی در حالی که، چتر به دست گرفته یا پوستین بدوش داشتند امری عادی تلقی می گردید، در مدت ده سال بعد از مراجعت علامه از نجف به روستای شادآباد و بدنال فعالیتهای مستمر ایشان قناتهای لایروبی و باغهای مخروطیه تجدید خاک و اصلاح درخت شده و در عین حال چند باغ جدید، احداث گردید و یک ساختمان بیلاقی هم در داخل روستا جهت سکونت تابستانی خانواده ساخته شد و در محل زیرزمین خانه حمامی به سبک امروزی بنا نمود. »

مهارت های علامه

فرزند علامه می افزاید: « پدرم از نظر فردی، هم تیرانداز بسیار ماهری بود و هم اسب سواری تیزتک و به راستی در شهر خودمان - تبریز - بی رقیب بود، هم خطاطی برجسته بود، هم نقاش و طراحی ورزیده، هم دستی به قلم داشت و هم طبعی روان در سرایش اشعار ناب عارفانه و ...، اما از نظر شخصیت علمی و اجتماعی، هم استاد صرف و نحو عربی بود، هم معانی و بیان، هم در اصول و کلام کم نظیر بود و هم در فقه و فلسفه، هم از ریاضی (حساب و هندسه و جبر) حظی وافر داشت و هم از اخلاق اسلامی، هم در ستاره شناسی (نجوم) تبحر داشت، هم در حدیث و روایت و خبر و ...، شاید باور نکنید که پدر بزرگوار من، حتی در مسائل کشاورزی و معماری هم صاحب نظر و بصیر بود و سالها شخصاً در املاک پدری در تبریز به زراعت اشتغال داشت و در ساختمان مسجد حجت در قم عملاً طراح و معماری اصلی را عهده دار بود و تازه اینها گوشه های از فضایل آن شاد روان بود و گرنه شما می دانید که بی جهت به هر کس لقب علامه نمی دهند و همگان بخصوص بزرگان و افراد خبیر و بصیر هیچکس را علامه نمی خوانند مگر به عمق اطلاعات یک شخص در تمام علوم و فنون عصر ایمان آورده باشند... »

هجرت

به هر حال علامه طباطبائی بعد از مدتی اقامت در تبریز تصمیم می گیرد تا به قم عزیمت نماید و بالاخره این تصمیم خود را در سال ۱۳۲۵ هـ ش عملی می کند. فرزند علامه طباطبائی در این مورد می گوید: « همزمان با آغاز سال ۱۳۲۵ هـ ش وارد شهر قم شدیم... در ابتدا به منزل یکی از بستگان که ساکن قم و مشغول تحصیل علوم دینی بود وارد شدیم، ولی به زودی در کوچه یخچال قاضی در منزل یکی از روحانیان که هنوز هم در قید حیات است اتاق دو قسمتی، که با نصب

پرده قابل تفکیک بود اجاره کردیم، این دو اتاق قریب بیست متر مربع بود. طبقه زیر این اطاقها انبار آب شرب منزل بود که، در صورت لزوم بایستی از درب آن به داخل خم شده و ظرف آب شرب را پر کنیم. چون خانه فاقد آشپزخانه بود پخت و پز هم در داخل اطاق انجام می گرفت - در حالی که مادر ما به دو مطبخ (آشپزخانه) ۲۴ متر مربعی و ۳۵ متر مربعی عادت کرده بود که در میهمانی های بزرگ از آنها به راحتی استفاده می کرد - پدر ما در شهر قم چند آشنای انگشت شمار داشت که یکی از آنها مرحوم آیت الله حجت بود. اولین رفت و آمد مرحوم علامه به منزل آقای حجت بود و کم کم با اطرافیان ایشان دوستی برقرار و رفت و آمد آغاز شد.

لازم به ذکر است که علامه طباطبائی در ابتدای ورودشان به قم به قاضی معروف بودند، چون از سلسله سادات طباطبائی هم بودند، خود ایشان ترجیح دادند، که به طباطبائی معروف شوند. ایشان عمامه ای بسیار کوچک از کرباس آبی رنگ و دگمه های باز قبا و بدون جوراب با لباس کمتر از معمول، در کوچه های قم تردد داشت و در ضمن خانه بسیار محقر و ساده ای داشت. »

رحلت

مهندس عبدالباقی، نقل می کند: « هفت، هشت روز مانده به رحلت علامه، ایشان هیچ جوابی به هیچ کس نمی داد و سخن نمی گفت، فقط زیر لب زمزمه می کرد: « لا اله الا الله! »

حالات مرحوم علامه در اواخر عمر، دگرگون شده و مراقبه ایشان شدید شده بود و کمتر « تنازل » می کردند، و [مانند استاد خود، مرحوم آیه الله قاضی] این بیت حافظ را می خواندند و یک ساعت می گریستند:

« کاروان رفت و تو در خواب و بیابان در پیش

کی روی؟ ره ز که پرسی؟ چه کنی؟ چون باشی؟! »

همان روزهای آخر، کسی از ایشان پرسید: « در چه مقامی هستی؟ »

فرموده بودند: « مقام تکلم. »

سائل ادامه داد: « با چه کسی؟ » فرموده بودند: « با حق. »

حجت الاسلام ابوالقاسم مرندی می گوید: « یک ماه به رحلتشان مانده بود که برای عیادتشان به بیمارستان رفتم. گویا آن روز کسی به دیدارشان نیامده بود. مدتی در اتاق ایستادم که ناگهان پس از چند روز چشمانشان را گشودند و نظری به من انداختند. به مزاح [از آن جا که ایشان خیلی با دیوان حافظ دمخور بودند] عرض کردم: آقا از اشعار حافظ چیزی در نظر دارید؟ فرمودند:

« صلاح کار کجا و من خراب کجا؟ بقیه اش را بخوان! »

گفتم: « بین تفاوت ره از کجاست تا به کجا! »

علامه تکرار کردند: « تا به کجا! » و باز چشم خود را بستند و دیگر سخنی به میان نیامد. آخرین باری که حالشان بد شد و راهی بیمارستان شده بودند، به همسر خود گفتند: « من دیگر بر نمی گردم. »

آیت الله کشمیری می فرمودند: « شب وفات علامه طباطبائی در خواب دیدم که حضرت امام رضا علیه السلام در گذشته اند و ایشان را تشییع جنازه می کنند. صبح، خواب خود را چنین تعبیر کردم که یکی از بزرگان [و عالمان] از دنیا خواهد رفت: و در پی آن، خبر آوردند که آیت الله طباطبائی در گذشت. »

ایشان در صبح یکشنبه ۱۸ ماه محرم الحرام، ۱۴۰۲ سه ساعت به ظهر مانده به سرای ابدی انتقال و لباس کهنه تن را خلع و به حیات جاودانی مخلع می گردند و آیت الله حاج سید محمدرضا گلپایگانی (ره) بر ایشان نماز می گذارند و در بالا سر قبر حضرت معصومه علیها السلام دفن می کنند.

مسلمانان سهم عمده‌ای در تمدن جدید دارند. مورخین غربی علوم جدید، ثابت کردند که اگر مسلمانان نبودند، بیشتر دانش‌های قدیم از بین می‌رفت و نهضت جدید اروپا سال‌های سال به تأخیر می‌افتاد.

و در زمانی که تمدن مسلمین در اندلس درخشید. یعنی در دو قرن سوم و چهارم هجری (قرن نهم و دهم میلادی) اروپا غرق در دریای توحش و بی‌فرهنگی بود.

و هنگامی که اراده کردند تا ردای جهل و نادانی را از دوش خود بیفکنند، روی به مسلمانان آوردند، تا دانش از آنها بیاموزند، زیرا که آنان غیر از مسلمین چراغی برای دانش‌ها، نیافتند تا به وسیله آن راهنمایی شوند.

و از سال ۱۱۳۰ میلادی، در طلیطله مدرسه‌ای برای ترجمه تاسیس شد، تا مشهورترین تالیفات مسلمانان را از زبان عربی به زبان لاتین، ترجمه نمایند (برگردانند). و آن زمان بود که غربی‌ها احساس کردند که جهانی (دیگر) غیر از جهان عقب مانده‌شان وجود دارد.

بعد از آن (مساله)، اکنون باید نگاهی گذرا به دانش‌هایی که مسلمین در آن پیشرفت نمودند، و آن را در شرق و غرب گسترش دادند، داشته باشیم. و به خصوص در علم پزشکی، به بررسی و مطالعه بر روی بیماری‌ها، توجه نموده، و به مداوای آن با توجه به تجارب به دست آمده در آزمایشگاه‌ها و بیمارستان‌هایی که خود آن را تاسیس کرده بودند، روی آوردند، تا اینکه به پزشکی قدیم مطالب جدید زیادی را افزودند.

و کافی است که بدانید، که کتاب «ابو القاسم زهرای» تدوین شده در ۲۰ بخش در پزشکی و جراحی و به نام «تصریف لمن عجز عن التالیف» (توضیح برای کسانی که از گردآوری ناتوان هستند) می‌باشد، این کتاب مشتمل بر بیش از ۲۰۰ شکل از ابزار و ادوات جراحی می‌باشد. و ترجمه این کتاب، منبع و مرجعی برای پزشکان غربی بوده است.

مسلمانان همانا کسانی هستند که پایه‌های صنعت «داروسازی» را بنا نهاده و کتاب‌هایی را در این زمینه تالیف نمودند.

اما درباره علم شیمی، دانشمندان آگاه اروپایی معترفند که مسلمانان پایه‌های این علم را نهاده‌اند، و غربی‌ها بعضی از صنایع، بخصوص صنعت کاغذسازی را از آنها گرفتند همانطور که بیش از ۵۰ اسم از اسامی مربوط شیمی را که واضح آن، مسلمین بودند، به زبان خود ترجمه کردند.

و در زمینه علوم ریاضی مسلمانان ضمن اقتباس ارقام هندی آن را تهذیب کرده و ابتکاراتی را در مورد شمارش دهگانه، با کارکرد عدد صفر که امروزه نیز استعمال دارد، به وجود آوردند.

مسلمانان پایه گذاران تمدن جدید

اما در مورد (علم) جبر، نشانه‌های آشکار آن را آشکار ساخته، و مواردی را بدان اضافه نمودند تا به صورت علم مستقلی درآید، و فرنگی‌ها اسم این علم را از آنها گرفتند و به زبان خود نقل کردند اولین کتاب جبر مربوط به محمد بن موسی خوارزمی است و مسلمین علم مثلثات را به علمی مستقل و به صورت کامل و همه جانبه تدوین نموده‌اند.

و در علم نجوم، کارهای برجسته زیادی، انجام داده‌اند، و رصدخانه‌هایی را در گوشه و کنار مملکت اسلامی تأسیس نمودند. و این علم را از خرافه‌های مربوط به طالع‌شناسی تطهیر نمودند، و جدول‌های دقیق و پر فایده‌ای را اختراع کردند، و به کروی بودن زمین، و چرخش آن بر محور خود، اعتقاد پیدا کردند، و اسطرلاب دقیق را اختراع نمودند، و به موقعیت‌های بسیاری از ستارگان پی بردند، و طول (مدت) سال شمسی را محاسبه کردند و همه این موارد ماخذ و منبع مهمی برای دانشمندان عصر ما گردید.

این علما همچنین مواردی را در مورد علم مکانیک نوشتند و اسم آنچه را که نوشتند، « علم الحیل » نامیدند، و همچنین در مورد صدا، ایجاد و پخش آن تحقیق نمودند، و به پدیده کشش آهن‌ربائی پی بردند، و در پرتو شناسی، تحقیقات زیادی نمودند که کسی بر آنها پیشی نگرفته بود.

نظریات اجتماعی و اقتصادی ابن خلدون،

در مقدمه تاریخ معروف وی، دانشمندان غربی را به تعجب واداشت، در نتیجه بسیاری از آنها (دانشمندان غربی)، وی را بنیانگذار علم الاجتماع (جامعه‌شناسی) و اصول اقتصاد سیاسی و ... به حساب می‌آورند .

و مسلمانان اگر چه نیروهای ستمگر علیه آنها توطئه کرده و آنها را در مرحله‌ای از زمان از کاروان علم و دانش، دور کردند، ولی آنها قدرت خویش را در گذشته به مرحله اثبات رسانیده‌اند و دوباره می‌خواهند صفحات شکوهمندی را در تاریخ با نوآوری آنچه که می‌تواند افتخاری برای بشریت در آینده باشد، هماهنگ‌طور که علمشان افتخاری برای بشریت در گذشته بود، به وجود آورند .



خوی‌های ستوده

مناجات امام سجاد علیه السلام

بار خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست و ایمانم را به کامل ترین ایمان برسان و باورم را بهترین یقین قرار بده و نیت مرا به بهترین نیت ها و کردارم را به نیکوترین کردارها ختم کن...

مرا از کاری که اهتمام به آن مرا از بندگیت باز می دارد بی نیازم کن ، و مرا به آنچه فردا (روز جزا) از آن بازپرسی می نمایی وادار ، و روزهای مرا در آنچه که برای آن مرا آفریده ای خالی کن (صرف نما) و مرا (از دیگران) بی نیاز فرما و روزی ات را بر من گشایش ده . مرا به کبر آزمایش مکن و برای (بندگی) خود رام ساز و عبادتم را با عجب و خودپسندی تباه مگردان و خیر و نیکی برای مردم را به دست من روان ساز، و آن را به منت نهادن باطل مفرما و خوی های پسندیده را به من ببخش و مرا از فخر فروختن نگاه دار.

بار خدایا! بر محمد و آل او درود فرست و مرا در میان مردم به درجه و مقامی سرفراز مفرما ، جز آنکه پیش نفسم مرا مانند آن پست نمایی، عزت و ارجمندی آشکارا برایم پدید میاور جز آنکه به اندازه آن پیش نفسم برای من خواری درونی پدید آوری و تا هنگامی که عمرم در فرمانبرداری به کار رود، عمرم ده و هرگاه عمرم چراگاه شیطان شود (و او بر من تسلط یابد) بمیرانم پیش از آنکه غضب تو به من رو آورد یا خشمت بر من استوار گردد .

بار خدایا! بر محمد و آل او درود فرست و مرا به زینت صالحین و شایستگان آراسته فرما و بر من ارزانی دار زیور پرهیزکاران را در عدل و داد ، فرونشاندن خشم، خاموش کردن آتش کینه ، گرد آوردن متفرقان و شکسته نفسی و گفتن حق اگرچه سخت باشد و کم شمردن نیکی در گفتار و کردارم اگرچه بسیار باشد و بسیار شمردن شر و بدی در گفتار و کردارم اگرچه کم باشد

بار خدایا! بر محمد و آل او درود فرست و فراخ ترین روزی ات را بر من هنگام پیری و قوی ترین توانایی ات را در من هنگامی که به رنج افتم قرار ده و مرا به کاهلی و سستی در بندگی ات گرفتار مکن و مرا در حالت اضطرار به یاری خواستن از غیر (ذات اقدس) خود و چون فقیر و نیازمند مردم فروتنی برای درخواست از غیر خویش و چون بترسم به زاری کردن پیش غیر خود آزمایش مفرما که به آن سبب سزاوار خواری و بازداشتن (از رحمت) و روی گرداندن (کیفر) تو شوم، ای مهربانترین بخشنندگان!

بسم الله الرحمن الرحيم

اطلاعیه برگزاری کلاسهای اسلام شناسی

مسجد امام حسین (ع) قصد دارد با مشارکت جامعه المصطفی جهت تقویت بنیادهای علمی، معنوی و اخلاقی خانواده ها بویژه جوانان دانش آموز و دانشجویان اقدام به برگزاری دوره های مختلف کلاسهای اسلام شناسی به صورت مجازی نماید. زمان کلاسها برای هر روز یک ساعت در نظر گرفته شده و ثبت نام از تاریخ شنبه ۱۳۸۹/۹/۶ تا شنبه ۱۳۸۹/۹/۱۳ خواهد بود.

مدارک مورد لزوم:

ارائه ۲ قطعه عکس، تصویر گذرنامه، تصویر مدرک تحصیلی سال آخر دبیرستان یا مقاطع بالاتر، مبلغ ۳۰۰ درهم ودیعه کلاسها در دو ترم تحصیلی از آذر ماه ۱۳۸۹ آغاز و تا اسفند ماه سال ۱۳۹۰ ادامه خواهد یافت. علاقمندان می توانند از طرق زیر در یادگیری این مباحث مشارکت کنند:

از طریق اینترنت و با مراجعه به سایت مسجد امام حسین (ع) به نشانی www.3rdmain.com

دریافت CD از دفتر مسجد

شرکت در کلاسهای حضوری

در انتهای هر دوره نیز به کلیه کسانی که با موفقیت از عهده آزمون پایانی بر آیند، گواهی پایان دوره و به نفرات برگزیده جوایز نفیسی همچون هزینه سفر عمره و سفر مشهد مقدس و غیره تعلق خواهد گرفت.

امید است با استقبال خواهران و برادران ایمانی بتوانیم در عرصه فعالیت های علمی و فرهنگی اسلامی، خدمات گسترده تری را عرضه نماییم.

منتظر اطلاعیه های تکمیلی مسجد باشید.

امید است با استقبال خواهران و برادران ایمانی بتوانیم در عرصه فعالیت های علمی و فرهنگی اسلامی، خدمات گسترده تری را عرضه نماییم.

دفتر مسجد امام حسین (ع)



برگزاری مراسم ولادت حضرت معصومه (س) و روز دختران

امسال مراسم شکوهمند ولادت حضرت معصومه (س) و روز دختران در مسجد با حال و هوای تازه ای برگزار گردید. شب ولادت علاوه بر مدیحه سرایی برای حضرت، جناب حجت الاسلام والمسلمین مدنی به ایراد سخن پرداخته و در باره فضایل و مناقب ایشان مطالبی را بیان داشتند. در روز میلاد حضرت معصومه (س) نیز جشن پرشکوهی برای خواهران و بویژه دختران جوان در بخش بانوان مسجد برگزار گردید که در نوع خود کاری تازه و بدیع بود. در این جشن که با حضور فعال خواهران اجرا گردید انجام کلیه برنامه ها به عهده خود دختران بود و در پایان سرکار خانم طباطبایی برای حاضران سخنرانی نمودند.



برگزاری جشن میلاد سلطان سریر ارتضا، حضرت علی بن موسی الرضا (ع)



یازدهم ذیقعدہ میلاد با سعادت حضرت رضا (ع) برای همه مسلمانان بویژه ایرانیان روز بسیار با عظمت و پرشکوهی است. در این ایام فرخنده مسجد امام حسین (ع) به مدت سه شب میزبان جناب حجت الاسلام والمسلمین عبدخدایی از علمای گرانقدر خطه خراسان بود. ایشان در بیانات ارزشمند خود در باب عصمت و عظمت حضرت رضا (ع) بویژه در ابعاد معنوی و علمی مطالب مفید و پرتعمری را ارائه کردند. مدیحه سرایی جناب آقای عارفی، مسابقه کتبی و حضوری برای خواهران و برادران همراه با اهدای جوایز، قرعه کشی و اعطای هدایا به دارندگان اسامی رضا، پخش کلیپ میلاد و ... از جمله برنامه های دیگر این جشن باشکوه بود. مشابه این برنامه با حضور سخنران و مداح مدعو در روز چهارشنبه در سفارت جمهوری اسلامی ایران در ابوظبی برگزار گردید که مورد استقبال ایرانیان مقیم قرار گرفت.

دوره های آموزشی ویژه خواهران

مسجد امام حسین (ع) جهت ارتقای سطح آموزشی، فرهنگی و هنری خواهران محترم اقدام به برگزاری کلاس های روحوانی و روانخوانی قرآن کریم، حفظ قرآن، خیاطی، گیوربافی، گلدوزی سنتی، گل سازی با خمیرچینی، طراحی و نقاشی و ... ویژه خواهران نموده است. علاقمندان می توانند برای بدست آوردن اطلاعات بیشتر و ثبت نام با شماره ۰۵۵۹۹۸۴۴۶۳ تماس بگیرند.

عرضه محصولات پارانه ای

مقارن با میلاد مسعود ثامن الحجج حضرت رضا (ع) مرکز کامپیوتری نور محصولات خویش را در مسجد عرضه نموده و با تخفیف ۵۰٪ به معرض فروش گذارد. عرضه این محصولات که عمدتاً در بخش قرآن، حدیث، فقه و اصول، کلام، تفسیر و ... و غالباً به صورت CD تنظیم و ارائه شده است، مورد استقبال مردم قرار گرفت. یکی از مسئولان این مرکز در پایان نماز جمعه مورخ ۱۳۸۹/۷/۲۳ با توضیح کاربری محصولات به حجم انبوه فعالیتهای مرکز جهت دسترسی آسان کاربران به اطلاعات و تحقیقات دینی و اسلامی اشاره نمود. لازم به ذکر است که این محصولات همچنان در مسجد قابل ارائه و عرضه است.

افتتاح بانک اطلاعاتی کتابخانه مسجد

با افزایش کتابهای کتابخانه مسجد به دو برابر تعداد پیشین و گسترش ساعات مراجعه به کتابخانه از شیفیت صبح، به شیفیت صبح و عصر (تا ساعت ۹ شب) بانک اطلاعاتی کتابخانه مسجد نیز افتتاح گردید. از این پس مراجعین محترم می توانند با سرعت و سهولت به منابع مورد نظر خویش دسترسی یافته و با آسان ترین روش به مطالعه بپردازند. امکان عضویت در کتابخانه نیز در همه ساعات کار آن برای همگان فراهم است.

هرچه بینی در جهان دارد عوض
گر عوض حاصل تو را گردد غرض
بی عوض دانی چه باشد در جهان
عمر باشد، عمر! قدر آن بدان

از کودکی به ما آموخته‌اند که «وقت طلاست». غافل از آنکه طلا را، هم می‌شود ذخیره کرد و هم می‌توان دوباره به دست آورد؛ شاید چینی‌ها این موضوع را بهتر درک کرده‌اند، که در ضرب المثل‌های خود آورده‌اند: با یک متر طلا نمی‌توان یک متر وقت را خرید.

افزون بر توصیه‌هایی که از فرهنگ‌های گوناگون درباره زمان آموخته ایم، آدمی از نظر وجودی در تنگنای مبهمی گرفتار آمده است؛ از یک سو خداوند در او ظرفیت نامحدود «انسانیت» را به امانت گذاشته و از سوی دیگر، همین انسان نمی‌داند که فرصت محدود، اما نامعلوم زندگی او چقدر است! در ماورای این حقیقت، آدمی باید بتواند با استفاده از لحظات عمر، در بارگاه حضرت احدیت شرمندۀ نباشد.

فردا که بارگاه حقیقت شود پدید
شرمنده رهروی که عمل بر مجاز کرد
«حافظ»

تمامی فنون و تکنیک‌های مطرح شده در علم مدیریت، بر تحقیق اهداف در کوتاهترین زمان ممکن و با کمترین هزینه تاکید دارند و در تمام آنها دو محور اصلی و اساسی قابل توجه داده شده است:

۱. شناخت اوقات زمان

۲. راه‌های مبارزه با اوقات زمان

حرکت حول دو محور بالا یکی از مهم‌ترین ابعاد بهبود بهره‌وری در تمامی سطوح فردی، سازمانی و ملی است، که خوشبختی، سعادت و بهروزی هر ملتی به آن است، ما در اینجا به آن اشاره می‌کنیم:



**مدیر
وقت
باشید!**
با خودتان